مهر اهل بیت (ع)

کردستانی، سوران

از بررسی مجموعه احادیث و روایاتی که در زمینه مصادیق اهل بیت در منابع اهل سنت درج‏ گردیده،همواره شش نظریه مطرح بوده است که‏ آن را به اختصار بازگو می‏کنم:

1-مصادیق اهل بیت(ع)،زوجه‏های‏ پیامبر(ص)بوده‏اند.(قول سعید بن جبیر و ابن‏ عباس و عکرمه و مقاتل).

2-مراد از اهل بیت(ع)،حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)،حضرت حسن بن علی(ع) و حضرت حسین بن علی(ع)اند که در زمره خمسه‏ طیّبه یا پنج تن آل عبا نیز محسوب می‏گردند.(قول‏ ابو سعید خدری و جمعی از تابعین از جمله مجاهد و قتاده)

3-منظور از اهل بیت،تمامی خاندان‏ پیغمر(ص)-بنی هاشم-اند.مفهوم بیت در این‏ مورد،همان نسب است.(قول شبلی).

4-اهل بیت عبارتند از:اولاد پیامبر(ص)، همسران پیامبر(ص)،علی(ع)،حسن بن علی(ع) و حسین بن علی(ع)،(قول خطیب فخر رازی).

5-مقصود از اهل بیت کسانی‏اند که صدقه بر آنان حرام است اینان شامل آل علی،آل عثمان،آل‏ عقیل،آل عباس و آل جعفراند.

6-اعضای خاندان پیامبر(ص)و نیز حضرت‏ سلمان بر اساس روایت مشهور«سلمان منا اهل‏ البیت»جزو اهل بیت‏اند.این نظر محی الدین عربی‏ در کتاب فتوحات مکیه است.اما اهل تشیع،به‏ طور قطع و یقین مصادیق اهل بیت را همان نظریه‏ دوم می‏دانند که پیشتر بدان اشاره شد.جعفری‏ مذهبان در اثبات این رأی،احادیثی چون ثقلین، سفینه و نیز آیه تطهیر آیه 33 از سوره احزاب و همچنین مجموعه‏ای دیگر از روایات را که از منابع‏ اهل سنت برگرفته شده است،ارائه می‏دهند. علاوه بر این،اهل تشیع معتقدند که اولا- پیامبر(ص)از مصادیق اهل بیت به روشنی نام‏ برده‏اند.ثانیا-پیامبر به هنگام نزول آیه تطهیر،با قرار دادن حضرت علی(ع)،حضرت فاطمه(س) و حسنین(ع)در زیر عبای خود که آنان را اصحاب‏ کساء به طور مشخص آنان را اهل بیت معرفی‏ فرموده‏اند.ثالثا-پیامبر با قرائت مکرر آیه تطهیر به‏ هنگام عبور از مقابل درب منزل حضرت علی(ع)، او و حضرت فاطمه(س)و حسنین(ع)را به عنوان‏ مصادیق آیه فوق،مورد خطاب قرار دادند.

با توجه به موارد مورد اشاره و بررسی نظریه‏های‏ ششگانه از فریقین،و نیز با در نظر گرفتن اینگونه‏ احادیث متعدد که در منابع اهل سنت ثبت و ضبط گردیده است،می‏توان چنین نتیجه گرفت که‏ وجوهات مشترک در نزد فریقین،پیرامون اهل‏ بیت،همان اصحاب کسائند یعنی علی و فاطمه و حسنین.به دیگر بیان این چهار تن از نظر اغلب‏ علما و زعمای فریقین،از مصادیق اهل بیت‏اند.

اهل بیت(ع)در منابع اهل سنت

بر اساس منابع اهل سنت که شرح آن پیشتر رفت،حدیث کساء مختص اهل بیت پیامبر(ص) که در ادامه،آن را به عنوان فصل مشترک آراء فریقین‏ مورد بررسی قرار می‏دهیم از مسند امام احمد حنبل(رض):قتیبة بن سعید از حاتم بن اسماعیل‏ از بکیر بن مسمار از عامر بن سعد از پدرش سعد بن‏ ابی وقاص نقل می‏کند که از پیامبر در مورد فضیلت‏ علی(ع)شنیدم که در روز خیبر می‏فرمود:«پرچم‏ را به دست مردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش او را دوست دارند» ما همه به دقت گوش می‏دادیم که پیامبر(ص) فرمود:علی را نزد من بخوانید».در پی این فرمان، علی با چشم درد نزد رسولخدا آمد.پیامبر آب‏ دهان بر چشم وی مالید و پرچم را به دستش داد و خداوند خیبر را به دست او به روی مسلمانان‏ گشود.زمانی که آیه...بخوانیم فرزندان ما و فرزندان شما را(آل عمران 60)-نازل گردید، رسولخدا(ص)علی،فاطمه،حسن و حسین را فراخواند و گفت:«بار خدایا!اینان خاندان من‏ هستند»المسند،چاپ احمد شاکر،حدیث شماره‏ 1608.

نیز امام احمد حنبل(رض)از محمد بن مصعب‏ از اوزاعی از شداد ابی عمار روایت می‏کند که وی‏ گفت:«بر واثله بن اسقع که گروهی نزدش بودند، وارد شدم.آنان از علی یاد کردند.چون برخاستند و رفتند،واثله گفت:«می‏خواهی تو را از آنچه از رسول خدا(ص)دیدم،آگاه کنم؟».گفتم:آری. واثله گفت:«نزد فاطمه(س)رفتم تا از علی(ع) سراغ بگیرم.او گفت:نزد رسولخدا(ص)رفته‏ است.در انتظار او نشستم تا اینکه پیامبر(ص)همراه‏ با علی و حسن و حسین آمدند،حسنین دست در دست پیامبر(ص)داشتند،رسولخدا(ص)وارد شد و به نزد علی و فاطمه رفت و آن دو در برابر او ایستادند و حسن و حسین را بر روی زانوان خود نشاند.آنگاه جامه یا عبایش را بر روی آنان کشید و این آیه را تلاوت کرد:

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت‏ و یطهرکم تطهیرا»

.پس از آن فرمود:«خدایا اینان‏ اهل بیت من هستند و اهل بیت من سزاوارترند» المسند،چاپ میمنیه،ج 4،ص 107.

همچنین،امام احمد در«فضایل الصحابه»،با سندی از سعید بن جبیر از عامر چنین نقل می‏کند: \*امام احمد حنبل در «فضایل الصحابه»،با سندی‏ از سعید بن جبیر از عامر چنین نقل می‏کند:هنگامی که‏ آیه 23 از سوره شوری نازل‏ شد،اصحاب عرض کردند:ای‏ رسول خدا خویشاوندان تو که مودت آنها بر ما واجب‏ است کیانند؟

فرمود:علی و فاطمه و پسران‏ آن دو.این سخن را سه بار تکرار فرمود.

هنگامی که آیه 23 از سوره شوری نازل شد، اصحاب عرض کردند:ای رسول خدا خویشاوندان تو که مودت آنها بر ما واجب است‏ کیانند؟فرمود:علی و فاطمه و پسران آن دو.این‏ سخن را سه بار تکرار فرمود.

2-از مستدرک الصحیحین:امام علی بن‏ الحسین(رض)نقل کرده که وقتی امیر مؤمنان‏ علی(رض)به شهادت رسید،حسن بن علی‏ (رضی الله عنهما)در میان مردم خطبه خواند که‏ بخشی از آن را نقل می‏کنیم:

من از خاندانی هستم که خداوند مودت آنها را بر هر مسلمانی واجب کرده است و به پیامبرش‏ فرمود:

قل لا اسئلکم...منظور از اکتساب حسنه، مودت ما اهل بیت است.

3-از الدر المنثور سیوطی:در ذیل آیه قل لا اسئلکم...،سیوطی از مجاهد از ابن عباس نقل‏ کرده که تفسیر آیه قل لا اسئلکم...این است که‏ «ان تحفظونی فی اهل بیتی و تودوهم بی»،یعنی: حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید و آنها را به سبب من‏ دوست بدارید.

4-از کشاف زمخشری:در«کشاف» زمخشری حدیثی نقل شده است که امام فخر رازی‏ و قرطبی نیز در تفاسیرشان از آن اقتباس کرده‏اند که‏ آن چنین است:پیامبر خدا(ص)فرمودند:«من‏ مات علی حب آل محمد مات شهیدا».یعنی کسی‏ که با محبت آل محمد بمیرد،شهید از دنیا رفته‏ است.در حدیث دیگری نیز آمده است:«من مات‏ علی حب آل محمد،مات علی السنة و الجماعة». یعنی:هرگاه کسی با مهر خاندان محمد(ص)از دنیا رود،بر سنت و جماعت اسلام از دنیا رفته‏ است».

ریشه‏ها و پیشینه مودت

بررسی مجموعه انگیزه‏ها و ریشه‏های محبت‏ اهل بیت پیامبر(ص)در میان قوم کرد،نشان‏ می‏دهد که این تعلق خاطر جمعی،نشأت یافته از دو دسته عوامل درونی و بیرونی،در فرهنگ و اعتقادات این قوم خداجوی و عرفان‏گرا است.

آنچه موجب نضج،ظهور و تداوم مودت‏ نسبت به خاندان اهل بیت گردیده است،می‏توان‏ مواردی چند را برشمرد،از جمله:

1-اصول اعتقادات اسلامی متکی بر آیات و روایات متعدد در باب وجوب و لزوم ارادت‏ مسلمانان نسبت به اهل بیت گرامی پیامبر عزیز اسلام(ص):یکی از مهمترین مستندات در این‏ زمینه،همانا وجوب و لزوم صلوات فرستادن بر آل محمد در نمازهای یومیه است که ترک آن موجب‏ بطلان نماز می‏شود.

نیز مهمترین آیه‏ای از قرآن که بر دوستی‏ مسلمانان نسبت به اهل بیت و نزدیکان پیامبر اکرم(ص)تأکید دارد،عبارت است از آیه 23 از سوره شوری:

«...قل لا أسئلکم علیه أجرا الا المودة فی‏ القربی...»

.

:بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم‏ درخواست نمی‏کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

چنانکه امام احمد حنبل(رض)در مسند خود از سعید بن جبیر از ابن عباس چنین نقل می‏کند: هنگامی که آیه فوق نازل شد،مردم گفتند:یا رسول‏ خدا!این نزدیکان که دوستی آنان را بر ما واجب‏ ساخته‏ای،چه کسانی هستند؟فرمود:«علی، فاطمه و دو فرزندش»

2-قول امام شافعی(رض)مبنی وجوب مهر اهل بیت پیامبر(ص):

دومین عامل درونی و ساختاری در مجموعه‏ اعتقادات مذهبی اهل سنت مسلمان شافعی‏ مذهب،همانا ارادت امام شافعی(رض)نسبت به‏ اهل بیت پیامبر(ص)است که سروده‏های زیر مؤید این گفتار است:

یا آل بیت رسول الله حبکم فرض من الله‏ فی القرآن انزله

:ای خاندان پیامبر!محبت شما طبق دستوری

که در قرآن آمده،بر ما واجب است.

یکفیکم من عظیم الفخر انکم‏ من لم یصل علیکم لا صلاة له

همین افتخار شما را بس است که اگر کسی بر شما درود نفرستد،نمازش درست نیست.

امام شافعی(رض)در همین زمینه چنین‏ سروده‏اند:

اذا فی مجلس نذکر علیا و سبطیه و فاطمة الزکیه

یقال تجاوزوا یا قوم هذا فهذا من حدیث الرافضیه

برئت الی المهیمن من اناس‏ یرون الرفض حب الفاطمیه

هرگاه در مجلسی از علی و دو فرزندانش و فاطمه پاک یاد کنیم،گفته شود ای مردم از این فرد دوری کنید،چون این سخن رافضیان و کافران‏ است.من از دست مردمی که محبت فاطمه و فرزندان او را خروج از دین می‏دانند،به خدا پناه‏ می‏برم.

مهمترین عامل برونی مودت اهل بیت(ع)در فرهنگ اهل سنت،مهاجرت تاریخی امامزادگان‏ و سلاله اهل بیت(ع)به سرزمین کردستان و اقامت‏ در مناطقی همچون اورامان و نقاطی از کردستان‏ اردلان است.

توضیح آنکه،در عهد خلفای اموی و عباسی، بر اثر جور و تعدی حکام و ظلمه آن عصر،تنی‏ چند از امامزادگان مجبور به ترک شهر و دیار خویش‏ گردیدند و از این رو،به سوی دیگر بلاد اسلامی‏ رهسپار گشتند.از جمله تنی چند از فرزندان امام‏ موسی کاظم(ع)از عراق به سوی ایران شتافتند تا به اورامان کردستان رسیدند اما به علت‏ صعب العبور بودن راهها و امن بودن آنجا از هجوم‏ لشکریان خلیفه و مأموران و حکام وابسته به آنها، در همین منطقه رحل اقامت افکندند و به جهت‏ برخورداری از فضایل و مناقب و جاذبه‏های معنوی‏ توجه مردم این نواحی را به سوی خویش جلب‏ کردند.بدینسان برکات وجودی و انفاس قدسی‏ فرزندان امام هفتم به اطراف و اکناف گسترش یافت‏ در حدی که به قرابت‏های سببی منجر شد.از اینرو، می‏توان نتیجه گرفت که خاندان‏های سادات حسنی‏ و حسینی کردستان،غالبا مولود همین رویداد تاریخی هستند.مهاجرت و ماندگار شدن این‏ سلاله‏های پاک در میان اهل کردستان،موجبات‏ شناخت بیشتر اهل سنت را از خاندان اهل بیت‏ فراهم آورد و بر ارادت و اخلاص این مردم نسبت‏ به آن خاندان والاتبار بیش از پیش افزود.

درک مظلومیت این خاندان از سوی اهل سنت‏ از دیگر مواردی است که باعث عشق‏ورزی مردم‏ این دیار به اهل بیت پیامبر(ص)شده است.از طلیعه اسلام تاکنون خاندان اهل بیت همواره مورد بی‏مهری خلفای اموی و عباسی و دیگر فرمانروایان‏ \*جامعه اسلامی تنها در صورت‏ حفظ وحدت بین مذاهب و فرق‏ می‏تواند به پویایی،مانایی، گسترش و شکوفایی خویش‏ تحقق ببخشد و این مهم محقق‏ نخواهد گردید،مگر آنکه‏ مسلمانان حول محور اصیل‏ مودت اهل بیت(ع)متحد گردند.

و حاکمان سرزمین‏های مسلمان نشین قرار گرفته‏اند.از آنجایی که مردم این منطقه،خود یکی‏ از اقوام مظلوم تاریخ خاورمیانه‏اند،و پیوسته بر اثر سیطره و جور و جفای سلاطین حکمرانان تابع‏ آنها،مورد ستم واقع شده‏اند.هرگز از جباران‏ حمایت نکرده و چه بسا مظلوم را یاری و به او پناه‏ داده‏اند.اهل سنت،شهامت و شجاعت و صداقت را هماره ستوده‏اند،اما در عین حال، هرگز جنگ طلب و خونریز و سفاک و غدار نبوده‏اند؛مگر در برابر ظالم یا به حمایت از مظلوم‏ بپا خاسته‏اند و بر روی دشمنان شمشیر کشیده‏اند.

خاندان اهل بیت(ع)پس از رحلت پیامبر عظیم الشأن اسلام(ص)به ویژه پس از حادثه‏ جانسوز کربلا،مظلوم واقع شدند،در دهه‏ها و سده‏های بعد نیز،این اوضاع همچنان بدتر و بدتر گشت تا جایی که سلاله اهل بیت(ع)حتی در زادگاه‏ سرزمین خویش در امان نبودند و از این روست که‏ جلای وطن کردند.این مهاجرت‏های تاریخی‏ برای اقوام ممالک دور و نزدیک،خالی از برکت و رحمت نبود،و همچنانکه پیشتر نیز اشاره شد قوم‏ کرد از جمله اقوام مسلمانی بود که از نعمت‏های‏ وجودی و بحر فضایل و علوم این بزرگواران‏ جرعه‏های ناب چشید،و به بهره‏ها رسید.

به طوری که هم‏اینک پس از گذشت سده‏ها از آن رویداد تاریخی،اهل سنت و دیگر اقوام‏ خاورمیانه از تبعات آن مهاجرت معنویت گستر، مستفیض و برخوردارند.بدینسان،غنچه‏های مهر و دوستی اهل بیت پیامبر عزیز اسلام(ص)بر صفحات کردستان شکفته شد و عطر دل‏انگیز آن، فضای این سرزمین را معطر ساخت.

جان کلام آنکه،دوستی اهل بیت(ع)و خاندان‏ پاک پیامبر(ص)در کردستان،مهری است ماندگار و شاخصه‏ای لا ینفک از هویت فرهنگی دینی قوم‏ مسلمان کرد.

اهمیت پژوهش پیرامون مهر اهل بیت(ع)

مطالعه و تحقیق پیرامون این موضوع از جهات‏ مختلف ارزشمند و حائز اهمیت است.به طور کلی،این وجوه و ابعاد را می‏توان از سه دیدگاه‏ مورد مطالعه قرار داد:

1-از منظر اسلام شناسی:مطالعه درباره‏ مودت اهل بیت در میان اقوام مسلمان و از جمله‏ اهل سنت می‏تواند در ایضاح موضوعاتی چند، مفید واقع گردد،از جمله:

\*چگونگی شکوفایی اسلام در سرزمین‏های‏ غیر عربی

\*علل و انگیزه‏های گسترش معنویت اسلام‏ در میان اقوام مسلمان

\*نقش خاندان اهل بیت(ع)در گسترش عرفان‏ و معنویت اسلامی در میان اقوام مسلمان و امت‏ اسلامی

\*حب اهل بیت،و آثار عملی آن یعنی اقتداء به‏ سیره اهل بیت،به عنوان ضامن بهروزی و سعادت‏ مسلمانان

\*مهر و مودت و محبت اهل بیت(ع)به عنوان‏ عاملی وحدت آفرین در میان مذاهب و فرق‏ اسلامی،به ویژه در بین شافعی مذهبان و جعفری‏ مذهبان.

2-از منظر کردستان‏شناسی:تحقیق در زمینه‏ مهر اهل بیت(ع)در میان اهل سنت و بررسی نتایج‏ و تبعات فرهنگی و اجتماعی این مودت در خلال‏ سده‏های پیشین،بسیار مغتنم است.به ویژه بررسی‏ تأثیرات همه جانبه مهر اهل بیت(ع)در اندیشه و رفتار و ذهن و زبان و دل و جان اهل سنت،یکی از وجوه مهم هویت قومی در عرصه پژوهش‏های‏ کردشناسی تلقی می‏گردد.

3-از منظر ایران شناسی:پژوهش پیرامون‏ موضوع مهر اهل بیت(ع)در میان اهل سنت،از جنبه مطالعات ایران شناسی نیز قابل تأمل است چه‏ بسا نقاطی مبهم،و گره‏هایی ناگشوده و مهم در این وادی بر پژوهندگان این عرصه مکشوف گردد که تا پیش از آن بر همگان پوشیده مانده است.زیرا در هر حال،قوم اصیل کرد در به سامان آوردن‏ مجموعه فرهنگی ایرانی اسلامی مشارکت داشته و همواره اهتمام قابل تحسینی در زمینه حفظ و اشاعه هویت ملی و نیز دینی اسلامی،از خویش به ظهور و ثبوت رسانیده است.بنابراین،هرگونه تحقیقات‏ ایران‏شناسی،فارغ از پژوهش‏های کردشناسی، البته ناقص و غیر واقعی و ساختگی تلقی می‏گردد.

همچنین،هر نوع تحقیقات کردشناسی که‏ ویژگی‏های دینی و اعتقادی قوم کرد،از جمله‏ موضوع مهر اهل بیت(ع)را مورد توجه قرار ندهد، البته کاری بی‏طرفانه،علمی و کامل محسوب‏ نمی‏گردد.

مهمترین نتیجه بحث پیرامون مهر اهل بیت(ع)

مهمترین و ارزشمندترین نتیجه این بحث،آن‏ است که جامعه اسلامی تنها در صورت حفظ وحدت بین مذاهب و فرق می‏تواند به پویایی، مانایی،گسترش و شکوفایی خویش تحقق ببخشد و این مهم محقق نخواهد گردید،مگر آنکه‏ مسلمانان حول محور اصیل مودت اهل بیت(ع) متحد گردند.زیرا،تعلق خاطر پیروان مذاهب و فرق اسلامی نسبت به پیامبر عزیز اسلام(ص)و خاندان گرانقدر او هماره موضوعی مشترک، دیرینه و پایدار بوده است.در واقع،گرامی داشتن‏ خاندان اهل بیت و اقتدا به سیره آل پیامبر از سوی‏ مسلمانان،موضوعی است فراتر از تقسیمات‏ مذاهب اسلامی و اختلافات فقهی و تنوع و تکثر رأی در مسایل اجتهادی از این رو است که این‏ مودت و محبت،حقیقتی است انکارناپذیر و در عین حال،مناسب‏ترین مصداقی است از- حبل الله-که شایسته است مسلمانان به آن اعتصام‏ ورزند و از تفرقه دوری گزینند.

ویژگی‏های مودت اهل بیت در باورها و سنن‏ قوم کرد

مودت و محبت اهل بیت پیامبر(ص)در میان‏ اقوام مسلمان واقعیتی است دیرینه،فراگیر،مسلم‏ و انکار ناپذیر که به شیوه‏ای خود جوش و ملهم از اصول و آموزه‏های بنیادی اسلامی،همواره در جوامع اسلامی مطرح بوده و پیوسته به عنوان وجه‏ اشتراک مذاهب اسلامی،در ایجاد وحدت و اتحادی لا یزال در بین مسلمانان مورد توجه‏ قرار گرفته است.

هرگاه واقع بینانه و به دور از تعصبات فرقه‏ای‏ مذهبی،مجموعه باورها و رفتارهای جمعی قوم‏ کرد را در طول تاریخ گذشته‏اش مورد نگرش و کاوش فرا احساسی و پژوهشی قرار دهیم،پی‏ خواهیم برد که دیر زمانی است مهر اهل بیت پیامبر در ذهن و زبان،دل و جان،و اندیشه و روان اهل‏ سنت به روشنی نقش بسته است.هر آینه این‏ نقش‏پذیری از آن جهت قابل تأمل و شایان توجه‏ است که اولا-همواره خودجوش بوده و مذهب‏ خاصی یا نظام عقیدتی مشخصی،یا اراده‏ای‏ معطوف به قدرت در ورای آن در کار نبوده است. در ثانی-این مودت و مهر و دوستی،هیچگاه به‏ عصر و دوره‏ای ویژه از تاریخ،یا منطقه‏ای خاص‏ در کردستان محدود نگشته است.ثالثا-مهر اهل‏ بیت پیامبر(ص)در میان اهل سنت،نه تنها شعار یا ادعایی مقطعی و از سر احساس تلقی نمی‏گردد، بلکه می‏بینیم این قوم مسلمان در عمل،و در گوشه‏ گوشه حیات فرهنگی خویش نشان داده که از سر اخلاص و ارادت تام به خاندان والا و پاک اهل بیت‏ عشق می‏ورزد و این مودت را مقدس می‏داند و به‏ آن مباهات می‏کند.

بازتاب مهر اهل بیت در نامگذاری کودکان

بی‏گمان،یکی از مصادیق بارز مودت خاندان‏ گرامی پیامبر اسلام(ص)در ذهن و زبان قوم کرد، نامگذاری اطفال به نام نامی و لقب سامی اهل بیت‏ علیهم السلام است،زیرا اگر این بزرگواران در ذهن‏ و زبان و چشم و دل مردم،عزیز و محبوب نباشند، چگونه می‏توان انتظار داشت که پدران و مادران این‏ سامان اسامی فرزندان دلبندشان را به عشق‏ اهل البیت نامگذاری کنند.بنابراین می‏توان گفت‏ انتخاب نام مبارک اهل بیت از سوی پدران و مادران‏ کرد،گزینشی از سر تعلق خاطر به مذهبی خاص‏ نبوده است،بلکه این انتخاب نشأت یافته از دوستی‏ خداوند و پیامبر برگزیده اوست.از این گذشته، هرگاه کردی،فرزندش را به یکی از نامهای مبارک‏ (فاطمه)،(علی)،(حسن)،(حسین)،(باقر)، (جعفر)،(کاظم)،(رضا)،(تقی)،(نقی)و نیز (زهرا)،(زینب)،(عباس)و دیگر بزرگان دین‏ نامگذاری کرده است،جایگاه رفیع معنوی، اندیشه‏های تابناک و رفتار پسندیده این بزرگواران‏ والاتبار را مد نظر قرار داده و به عنوان الگویی‏ مناسب و تداعی کننده صفات عالیه انسانی،بدان‏ دل بسته است.

بازتاب مهر اهل بیت پیامبر(ص)در امور تجارت و دادوستدهای سنتی

از قدیم الایام،در کردستان و مناطق کردنشین، همچون دیگر نواحی خاورمیانه،تجارت از طریق‏ کاروان متداول بوده است.این کاروان‏ها مال التجاره و کالاهای مورد نیاز مردم را بر دوش‏ شتران یا استران(قاطرها)از محلی به محل دیگر منتقل می‏کردند،از مسیرهای خاصی می‏گذشتند. و سرانجام به سرمنزل نهایی می‏رسیدند.

در میان کاروانیان کرد،موسوم به-قافله‏چیان- مرسوم بوده است که به هنگام حرکت کاروان، عبارت(مدد یا علی)را بر زبان می‏راندند.از این‏ گذشته،کاروانیان از سر تیمن و تبرک،سرمایه‏ خویش را با حضرت علی(ع)،یا با حضرت‏ ابو الفضل العباس(مشهور به قمر بنی هاشم فرزند حضرت علی(ع)از ام البنین)به مشارکت‏ می‏نهادند.قافله‏چیان با این اقدام،در واقع نه تنها دستمایه و مال التجاره خویش را بیمه معنوی‏ می‏کردند،بلکه شریک دانستن آن بزرگواران را با خویش در امر دادوستد،موجب افزایش رزق و روزی و رونق تجارت می‏دانستند.یکی از بهترین‏ و دل‏انگیزترین نمونه‏های این باور در میان اهل‏ سنت،در شعری از عارف و شاعر والا مقام کرد مولانا سید عبد الرحیم تایجوزی،ملقب به مولوی‏ و متخلص به معدومی،تجلی یافته است،مولوی‏ در این شعر که یکی از خیال‏پردازانه‏ترین‏ منظومه‏های اوست،کاروانی از غم به راه‏ می‏اندازد.

در منظومه(قافله بهاری)به کردی اورامانی، مولوی از قافله سالار می‏خواهد که قافله از روی دیدگان او بگذرند و سرانجام قافله را به سرمنزل‏ مقصود شاعر که همانا وصل یار است برساند.این‏ کاروان هر چند در بهار به راه می‏افتد،اما به هر حال‏ کاروانی است از غم و قافله‏ای است که بار آن،آه و حسرت و الم و حزن و حرمان است.به طور خلاصه،کاروان خیالی مولوی با(مدد یا علی)به‏ راه می‏افتد و با طلب برکت از روح پرفتوح حضرت‏ مولا علی(ع)جان می‏گیرد و توان پیمودن می‏یابد و سرانجام برای نیل به سرمنزل مقصود،دست‏ علی(ع)در تمام منازل همواره دستگیر قافله‏سالار و قافله‏پرداز و قافله‏چیان است.و اینک خلاصه‏ای‏ از ترجمه فارسی منظومه دلکش و لطیف و شورانگیز(قافله بهاری).

همدردان!امان.صدایی دلنشین به گوش‏ می‏رسد.گویی نوای زنگ کاروان بهاری است. ای کاروان سالار!بسیار غمگینم.ترا به برکت نام‏ امیر ولی،امیر المؤمنین علی(ع)یا به خاطر نام‏ عباس و علی که مایه رواج تجارت است، سوگندت می‏دهم که لحظه‏ای درنگ نما.عرضی‏ دارم،بشنو سپس به خدای می‏سپارمت.عرضم‏ این است:اشک‏هایم که همچون دریاچه زریوار به‏ جوشش درآمده و دشت مریوان را به گذرگاه‏ کاروانیان،پرگل کرده و گذشتن از آن را دشوار ساخته است،درنگ کن و تأملی نما تا فردا.بگذار تا سوز سرمای نفس‏هایم این گذر گل آلود را خشک‏ کند و رویه دریاچه مریوان یخ ببندد تا تو بتوانی‏ کاروانت را از روی آن عبور دهی.از این رو،ای‏ کاروان‏سالار!بیا و با سوزن مژگانم که با تیزی قلم‏ آه،سوراخ شده و با بند و بار تابیده‏ای از ریشه‏ جگرم،دهانه خورجین‏ها را بدوز و آنها را با پوست‏ خشکیده همچون چرم به تن من محکم ببند و با استخوان‏های شکسته‏ام بارهایت را باربندی کن تا زنگ قافله به صدا درآورد.مدد یا علی بگو و کاروان‏ را براه انداز تا فرسنگ به فرسنگ راه بپیماید. اما...خود پیشاپیش می‏دانم که متاع من در بازار، مشتری ندارد و تجارتم کساد خواهد بود.گوییا تا قیام قیامت از این قافله همچنان لنگ خواهد ماند و به مقصد نخواهد رسید و در نهایت وصل یار برایم‏ ممکن نخواهد گردید.

بازتاب مهر اهل بیت در باورها

دوستی پیامبر(ص)و خاندان و تبار پاکشان، در فرهنگ سنتی اهل سنت،آنچنان صمیمانه و عمیق و جدی است که می‏توان به جرأت ادعا کرد که این مهر و مودت مقدس در میان قوم کرد با شیر عجین است و با جان از تن بدر رود.

در مجموعه باورهای جمعی و مکنونات قلبی‏ قوم کرد،تعلق خاطر و شیفتگی شگفت‏انگیز آنان‏ نسبت به شخصیت و مقام معنوی حضرت‏ امیر المؤمنین علی(ع)به سادگی قابل توصیف‏ نیست.یکی از این موارد،اعتقاد به قداست و مبارک بودن نام علی و فریادرسی روح پر فتوح‏ \*هرگاه واقع‏بینانه و به دور از تعصبات فرقه‏ای مذهبی، مجموعه باورها و رفتارهای‏ جمعی قوم کرد را در طول تاریخ‏ گذشته‏اش مورد نگرش و کاوش‏ فرا احساسی و پژوهشی‏ قرار دهیم،پی خواهیم برد که‏ دیر زمانی است مهر اهل بیت‏ پیامبر در ذهن و زبان،دل و جان، و اندیشه و روان اهل سنت به‏ روشنی نقش بسته است.

اوست که همواره به جان جانان یا روح الارواح‏ متصل است.در جای دیگر کردستان و مناطق‏ کردنشین،دیده می‏شود که مردم جای مشخصی را نظر کرده حضرت علی(ع)می‏دانند و آن جایگاه را مقدس و شفابخش تلقی می‏کنند.

از مصادیق مشهور همین موضوع کوه پنجه علی‏ واقع در منطقه بیجار است که مردم آن سامان‏ معتقدند آثار پنجه مبارکه حضرت مولا علی(ع) بر جایی از آن کوه نقش بسته است.تقدس این کوه‏ در آن ناحیه تا بدان پایه است که مردم به آن سوگند یاد می‏کنند:«سیف و زه رده‏لو و هولووی‏ مه‏نده‏لی+هه وادارتم وه‏ی په‏نجه‏ی عه‏لی»حتی‏ گاهی دیده می‏شود(دلدل)اسب سفید حضرت‏ علی(ع)نیز مورد توجه و علاقه مردم این نواحی‏ قرار می‏گیرد و عده‏ای جای پای این اسب را در جایی نشان می‏دهند و به آن احترام می‏گذارند. مستشرق نامدار،واسیلی نکیستین،در کتاب کرد و کردستان،در همین زمینه می‏نویسد:

«رنگ سفید از مشخصات اسبهای اساطیری‏ است.قاطر سفید پیغمبر یعنی دلدل در شعری‏ کردی،تبدیل به اسب می‏شود و حال آنکه در روایات ایرانیان...از آن نظر که مرکب سواری‏ علی(ع)داماد پیغمبر هم بوده است،احترام خاصی‏ برای او قایلند.در ایران در بیش از یک جا رد پای‏ دلدل را که روی سنگ نقش شده است به شما نشان‏ می‏دهد.ص 579.

حضرت علی(ع)شاه مشکل گشا

از دیگر مظاهر علاقه و اعتقاد مردم کرد به‏ شخصیت بی‏نظیر و روح والای حضرت شاه مردان‏ مولا علی(ع)همانا رسم نذر کردن آجیل‏ مشکل گشاست که از قدیم الایام در کردستان اردلان‏ و به طور عمده در شهر سنندج متداول بوده و هم‏ اینک نیز در میان برخی از خانواده‏های متدین و محب اهل بیت این دیار مرسوم است.به طور خلاصه،این رسم آنچنان است که شخصی‏ حاجتمند یا مضطر دست به دعا برمی‏دارد و از شاه‏ مشکل‏گشا حضرت علی(ع)برای رفع مشکل‏ خود،حاجت می‏طلبد و نذر می‏کند که در صورت‏ برآورده شدن نیازش،هر شب چهارشنبه‏ مقدار مشخصی آجیل مشکل‏گشا خریداری کند. پس از برآورده شدن حاجت،رسم بر آن است که‏ شخص نذر کننده شخصا به بازار می‏رود و از دکان‏ قنادی همان مقدار که نذر کرده است،آجیل‏ مشکل‏گشا خریداری می‏کند و به خانه باز می‏گردد و به کمک چند دختر بچه،آجیل مخلوط را پاک‏ می‏کند و در همان حال قصه آجیل مشکل‏گشا را باز می‏گوید،سپس آجیل را قسمت قسمت می‏کند و هر قسمتی را برای شخصی از بستگان و همسایگان‏ می‏فرستد.

بازتاب مودت اهل بیت در برخی از آداب و سنن

زیر مجموعه آداب و رسوم منطقه‏ای و بومی نیز بخشی از مجموعه فرهنگ سنتی اقوام محسوب‏ می‏گردد.از میان مهم‏ترین مصادیق و نمونه‏های‏ موضوع مورد بحث،مواردی چند شایان ذکر است:1-سمنوپزان،2-دیگر نذورات

سمنوپزان

نذری سمنوپزان،رسمی است که در میان زنان‏ مؤمنه متداول است و در مناسبت‏های خاص‏ از جمله سالروز تولد حضرت فاطمه زهرا(س)یا ایام فاطمیه برگزار می‏گردد.این رسم را، به مناسبت ادای نذر و وفای به عهد،حتی در هر روزی از سال می‏توان برپا کرد.در این مراسم‏ مذهبی،زنان مؤمنه به یاری نذر کننده می‏شتابند و به طور دسته‏جمعی به طبخ سمنو می‏پردازند و از روح حضرت فاطمه(س)طلب برکت می‏کنند و به‏ ذکر اسماء الهی و قرائت قرآن خواندن ادعیه مأثوره‏ و اهدای صلوات به روح پیامبر(ص)مبادرت‏ می‏ورزند.

اما سمنو که در زبان کردی سنندج،آن را (سه‏مه‏نی/ inamas )می‏نامند،آشی است مرکب‏ از جوانه گندم کوبیده شده و آب که در حرارتی‏ مناسب و مدت زمانی مشخص به جوش آمده و به قوام آورده شده است.در پایان مراسم،سمنو را در میان شرکت کنندگان در مراسم و دیگر افراد، به عنوان تبرک تقسیم می‏کنند.

دیگر نذورات

بجز مراسم مشهور سمنوپزان،نمونه‏های‏ دیگری از نذورات مردم کرد را می‏توان برشمرد که همگی نشأت یافته از تعلق خاطر و احترام خاص‏ اهل سنت نسبت به پیامبر عزیز اسلام(ص)و اهل‏ بیت و خاندان گرامی رسول خدا(ص)است. از جمله این نذورات،موارد زیر قابل توجه است:

1-نذر سفره حضرت بی‏بی فاطمه(س)

2-نذر سفره حضرت ابو الفضل العباس(ع)

3-احترام به عزاداری ماه محرم در سوگ سالار شهیدان حضرت حسین بن علی(ع).این مراسم‏ در طی دو سه سده گذشته،بویژه در میان اهل سنت‏ شیعه مذهب سنندج و دیگر شهرهای کردستان‏ به ویژه اردلان،متداول بوده است.در این ایام، برخی از اهالی شافعی مذهب اهل بیت نیز همراه با مسلمانان شیعه مذهب این منطقه،در سوگ‏ حضرت ابا عبد الله الحسین(ع)به عزاداری‏ پرداخته‏اند.در تکایا و حسینیه‏ها و بقاع امامزادگان‏ این منطقه نذوراتی،اهدا می‏کنند.برخی از شافعی‏های دوستدار اهل بیت،در ایام ماه محرم و صفر،به پخش حلوا و شربت نذری در میان‏ دسته‏های عزاداری اقدام می‏کنند.گفتنی است که‏ بر اساس یک سنت دیرینه،آن دسته از زنان کردی‏ که بارور نشده‏اند،نذر می‏کنند که در صورت‏ مادر شدن،فرزند خویش را به نام ائمه اطهار نامگذاری کنند.به یقین یکی دو نسل گذشته مردم‏ کردستان اردلان،به این امر وقوف کامل داشتند و افرادی را به نام‏های غلامعلی،غلامحسین و غلامرضا به یاد می‏آورند.

4-اقدام به افروختن شمع نذری در مقابر امامزادگان مدفون در شهر سنندج،به ویژه‏ امامزاده هاجر خاتون(ع)و امامزاده(پیرومه‏ عمر)(ع)در ماه محرم یا شب‏های جمعه سال و یا به مناسبت‏های مختلف از جمله ادای نذورات.

بازتاب مهر اهل بیت در ادبیات فولکلوری کردی

خاندان و طوایف و عشایر مختلف قوم کرد، سده‏ها و هزاره‏هاست که در امتداد دامنه‏ها و کوهپایه‏های رشته کوه‏های زاگرس و دیگر مناطق‏ خاورمیانه،با پراکندگی مشخصی اسکان یافته‏اند. این طوایف،در گذر تاریخ گنجینه‏ای غنی و دل‏انگیز از ادبیات فولکلوری،ملهم از طبیعت‏ زیبای کردستان،به سامان آورده‏اند که بخشی از آن،از امواج تطاول ایام به دور مانده،هم اینک‏ در دست است.ارزش این گونه خاص از میراث‏ فرهنگی قوم کرد،صرفنظر از لطافت و طراوت و حلاوت و دیگر وجوه هنری و ادبی آن،البته در جنبه هویت بخشی آن نهفته است.زیرا این اثر ادبی‏ که یادگار جلوه‏ها و شیوه‏های سنتی زندگی اهل‏ سنت در اعصار پیشین است،چونان آیینه‏ای است‏ که ژرف ساخت اندیشه‏ها و رفتارهای گذشته و حال این قوم دیرزی را می‏نمایاند و هر آینه از دیدگاه‏ تتبعات قوم شناسی و اتنوگرافی،و بررسی‏های‏ مردم شناسی دیگر پژوهش‏های و میراث فرهنگی، و نیز از نقطه نظر مطالعات ادبیات قومی و \*در میان کاروانیان کرد،موسوم‏ به-قافله‏چیان-مرسوم بوده است‏ که به هنگام حرکت کاروان،عبارت‏ (مدد یا علی)را بر زبان می‏راندند.

از این گذشته،کاروانیان از سر تیمن و تبرک،سرمایه خویش را با حضرت علی(ع)،یا با حضرت‏ ابو الفضل العباس(مشهور به‏ قمر بنی هاشم فرزند حضرت‏ علی(ع)از ام البنین)به مشارکت‏ می‏نهادند.قافله‏چیان با این اقدام، در واقع نه تنها دستمایه و مال التجاره خویش را بیمه معنوی‏ می‏کردند،بلکه شریک دانستن آن‏ بزرگواران را با خویش در امر داد و ستد،موجب افزایش رزق و روزی و رونق تجارت می‏دانستند.

زبان شناسی اقوام ایرانی،حائز اهمیت است.

یکی از مهمترین رشته‏های اتنوگرافی درباره قوم‏ کرد،تتبع در زمینه ادبیات فولکلوری این قوم است‏ که می‏توان بر بسیاری از نقاط ابهام در مجموعه‏ فرهنگی مردم کرد پرتو افکند،زیرا،ادبیات‏ فولکلوری از نهاد و ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه‏ بخش عظیمی از طوایف و عشایر کرد،در خلال‏ زمانی دراز آهنگ و به شیوه‏ای خودجوش،برآمده‏ است و حاوی مضامین متنوعی است.

ادبیات فولکلوری کردی،مجموعه‏ای است‏ متشکل از چندین زیر مجموعه که یکی از مهم‏ترین‏ و غنی‏ترین و جالب‏ترین این زیر مجموعه‏های‏ ادبی،بیت‏های فولکلوری است که از دیرباز در همه مناطق و سرزمین‏های کردنشین متداول و رایج‏ بوده و به روزگار ما نیز در روستاهای کردنشین‏ خاورمیانه همچنان بر سر زبان‏هاست.مجموعه‏ این بیت‏ها که روایتگری صادق از اندیشه و رفتار مردم کرد است،از سوی سرایندگان محبوب و بعضا گمنام کرد در روستاها و شهرهای کردستان‏ سروده شده و به تدریج بر غنای آن افزوده گشته و مضامینی همچون دوستی و مودت،عشق و دلدادگی،ایثار و شهامت،ارزش‏ها و اعتقادات‏ مذهبی،خشم و کین،جنگ و انتقام و...را در برمی‏گیرد.

اما جلوه‏های مودت اهل بیت پیامبر(ص)در گستره ادبیات فولکلوری عشایر،طوایف و خاندانهای کرد که به تدریج و در خلال سده‏های‏ پیشین شکل گرفته،مشتمل است بر نمونه‏ها و موارد قابل توجهی از امثال و حکم،قصه‏ها و حکایات،رزمنامه‏ها،سوگنامه‏ها،قسم‏نامه‏ها و بیت‏های فولکلوری که به زبان کردی بر جای مانده‏ است.

یکی از بیت‏های مشهور فولکلوری کردی، بیتی است موسوم به(جولندی)که به همراه‏ مجموعه‏ای مرکب از چندین بیت دیگر،توسط محقق آلمانی پروفسور اسکارمان گردآوری شده و در سال 1905 میلادی در برلین به طبع رسیده‏ است.

موضوع بیت فولکلوری(جولندی)،در رابطه‏ با وقایع سالهای آغازین طلوع اسلام و عصر پر برکت زندگانی سعادت گستر حضرت محمد (ص)است.در این بیت،پادشاه کافران موسوم به‏ (جولندی/ idniluj )،به قصد مقابله به پیامبر اسلام(ص)،با سپاهی گران به شهر مکه حمله‏ می‏برد.مسلمانان به محضر پیامبر(ص)می‏شتابند و عرض می‏کنند که حضرت علی(ع)در منزل‏ نیست و لشکر کفار نیز دوازده تن از صحابه را به‏ شهادت رسانیده‏اند.با این اوضاع تکلیف چیست؟

حضرت رسول(ص)چاره کار را در آن‏ می‏دانند که حضرت علی(ع)را به نبرد با جولندی‏ فرا بخواند.پیرزنی را به عنوان پیغام رسان به خانه‏ دخترشان حضرت فاطمه(ص)گسیل می‏دارند.

پیرزن به محضر حضرت فاطمه(س)می‏رود و دخت پیامبر(ص)،شوی خود را از امر پدرش آگاه‏ می‏کند.بدینسان حضرت علی(ع)سوار بر مرکبی،موسوم به(دلدل)می‏شود و بی‏درنگ به‏ سوی مکه روانه می‏گردد و به مصاف با جولندی‏ می‏پردازد و با یک ضربت شمشیر،این پادشاه‏ کافران را به هلاکت می‏رساند.

از بررسی بیت فولکلوری(جولندی)،نکاتی‏ چند در زمینه قداست و محبوبیت شخصیت‏ حضرت علی در ذهن و زبان قوم کرد،قابل‏ استخراج و استدراک است،از جمله:

\*حضرت علی(ع)در ابیات فولکلوری کردی‏ با عبارات و القاب و عناوینی چند مورد توصیف و ستایش قرار گرفته است.

\*ئه‏و عه‏لی یه نیویان ناشیری خولای(آن علی‏ که شیر خدا نام گرفت)

\*ئه و عه‏لی یه‏که‏س ده‏ره قه‏تی نایه(آن علی‏ که کس را یارای مقابله با او نیست).

\*حه زره‏تی عه‏لی نازداری(حضرت علی‏ نازنین و محبوب).

\*شه نگه‏سوار(شهسوار)،شوره سوار(یکه‏ سوار).

\*شیری گولباو(شیر ژیان)

حضرت علی(ع)همواره با امدادهای غیبی از سوی خداوند،در جنگ‏ها حمایت می‏شده است.

حضرت علی(ع)هماره یار پیامبر(ص)و یاور صحابه(رض)و یاری رسان مسلمانان بوده است.

جلوه‏های عرفانی مهر اهل بیت در کردستان

یکی از مهم‏ترین جلوه‏های مهر اهل بیت‏ پیامبر(ص)در متن زندگی اهل سنت،همان بازتاب‏ دل انگیز،پرطراوت و زیبای این مودت دیرینه‏ است.

نمونه مشهور و به یادماندنی این مدعی که عمیقا در فرهنگ کردستان اردلان و به ویژه منطقه اورامان‏ ریشه دوانیده،باورهای مذهبی مردم این دیار است‏ که تحت-عنوان معرفت پیر شهریار-به صورت‏ منظومه‏ای اعتقادی و به گویش اورامان در این دیار وجود داشته و آثار آن نیز هم اینک بر جای است. بدینسان،در طول سده‏های پیشین،همین باورهای‏ کهن مذهبی در اورامان،بستر خاصی از عرفان را فراهم آورده است که با ظهور آیین حیاتبخش‏ محمدی،رفته رفته تحت تأثیر آموزه‏های اسلامی‏ قرار گرفته و بر ساحت چنین بستری،عرفان اسلامی‏ سر برآورده است.

مهاجرت امامزادگان به کردستان

مهمترین عامل انسانی زمینه ساز رشد عرفان و معنویت در کردستان،آنچنانکه پیشتر بدان اشاره‏ شد،مهاجرت تاریخی امامزادگان به این سرزمین‏ بوده که سده‏ها،فرهنگ مردم این سامان را تحت‏ تأثیر قرار داده و از برکات انفاس قدسی این پاک‏ تباران،چراغ معنویت در کردستان همواره روشن‏ و تابان مانده است.اینکه سلسله راهبران و مشایخ‏ و پیران طریقت در دو طریقه عرفانی رایج‏ در کردستان،به خاندان اهل بیت منتسبند،گواهی‏ دیگری است بر همین مدعی.و هم از این روست‏ که مشایخ طریقه عرفانی نقشبندیه و قادریه‏ در کردستان،مفتخرند به آنکه طریقت آنان به دریای‏ معنویت اسلام،حضرت امیر المؤمنین علی بن‏ ابیطالب(ع)منتهی می‏گردد.

اخلاص و محبت عرفای کرد نسبت به خاندان‏ اهل بیت(ع)

بررسی تاریخچه تصوف و عرفان در کردستان‏ نسبت به خاندان اهل بیت پیامبر(ص)از لحاظ گوناگون قابل تأمل است.

از میان نمونه‏های متعدد و بارز مهر اهل بیت‏ در میان عرفای کرد،ذکر دو مورد در اینجا بجا و عبرت آموز است:

-ابراز ارادت و اخلاص مولانا خالد مروج‏ طریقت نقشبندی در کردستان نسبت به خاندان اهل‏ بیت.در این زمینه بهترین و مشهورترین سند، قصیده‏ای است در 45 بیت در منقبت خاندان اهل‏ بیت.

مولانا این قصیده را به سال 1224 هجری‏ قمری در راه غربت به هندوستان سروده است.

و اینک گزیده‏ای از این قصیده:

\*نذری سمنوپزان،رسمی است‏ که در میان زنان مؤمنه متداول‏ است و در مناسبت‏های خاص‏ از جمله سالروز تولد حضرت‏ فاطمه زهرا(س)یا ایام فاطمیه‏ برگزار می‏گردد.این رسم را، به مناسبت ادای نذر و وفای‏ به عهد،حتی در هر روزی از سال‏ می‏توان برپا کرد.

این بارگاه کیست که از عرش برتر است‏ وز نور گنبدش همه عالم منور است‏ این بارگاه قافله سالار اولیا است‏ این خوابگاه نور دو چشم پیغمبر است

این روضه رضا است که فرزند کاظم است‏ سیراب نوگلی ز گلستان جعفر است

بتوان شنید بوی محمد ز تربتش‏ مشتق بلی دلیل به معنای مصدر است

زوار!بر حریم وی آهسته پا نهید کز خیل قدسیان همه فرشش ز شهپر است

جانا به شاه مسند لولاک کز شرف‏ بر تارک شهان اولو العزم افسر است

آنگه بحق آنکه بر اوراق روزگار بابی ز دفتر هنرش باب خیبر است

دیگر به نور عصمت آنکس که نام او قفل زبان و حیرت عقل هنرور است

و آنگه به سوز سینه آن زهر خورده‏ای‏ کز ماتمش هنوز چشم جهان تر است

دیگر به خون ناحق سلطان کربلا کز وی کنار چرخ به خوبانه احمر است

و آنگه به حق آنکه ز بحر مناقبش‏ انشای بو فراس ز یک قطره کمتر است

دیگر به روح اقدس باقر که قلب او مر مخزن جواهر اسرار را در است

و آنگه به نور باطن جعفر که سینه‏اش‏ بحر لبالب از،در عرفان داور است

دیگر به حق موسی کاظم که از او بر زمره اعاظم و اشراف سرور است

و آنگه به قرص طلعت تو کز اشعه‏اش‏ شرمنده،ماه چهارده و شمس خاور است

دیگر به نیکی تقی و پاکی نقی‏ و آنگه به عسکری که همه جسم و جوهر است

و آنگه به عدل پادشهی کز سیمایش‏ با بره شیر شرزه،به ز مادر است

بر خالد آر رحم که پیوسته همچو بید لرزان ز بیم زمزمه روز محشر است

2-دومین نمونه و سند انکارناپذیر مبنی بر اثبات مودت اهل بیت در میان عرفای کرد، اظهارات عارف و عالم عامل و شاعر نامدار کرد سید عبد الرحیم تایجوزی مشهور به مولوی کرد است.وی در نامه‏ای به فرهاد میرزای‏ معتمد الدوله،عموی ناصر الدین شاه و والی‏ کردستان،داد سخن داده و به بهترین وجه عقیده‏ خود را در باب ارادت به اهل بیت پیامبر(ص)،به‏ عنوان یک رهرو راه عرفان و یک مسلمان شافعی‏ مذهب بیان کرده است.

قبور امامزادگان

آن گروه از امامزادگان مدفون در سرزمین‏ کردستان و مناطق کردنشین خاورمیانه که همگی از فرزندان امام موسی کاظم(ع)به شمار می‏آیند، عبارتند از:

1-امامزاده اسماعیل محدث:به روایتی در کاظمین مدفون است.اما بنا به عقیده علمای کرد، وی در اسپریز از روستاهای اورامان مدفون است.

2-امامزاده عبید الله،مشهور به(کوسه هه‏ جیج)،مدفون هه جیج از روستای اورامان است.

3-امامزاده حمزه،مشهور به(حمزه نجار)، مدفون در نجار از قراء اورامان است.برخی‏ معتقدند که وی در محلی موسوم به تکیه واقع در روستای قره‏داغ از توابع کردستان عراق مدفون‏ است.از نسل این امامزاده،علمای برجسته‏ای پا به عرصه وجود نهاده‏اند که از جمله آنان می‏توان‏ شخصیت‏های زیر را نام برد:شیخ عبد الله خرپانی‏ استاد علمای شهرزور،شیخ جامی تکیه‏ای، یوسف اصم،شیخ علی ملا،شیخ بابا علی‏ سلیمانیه‏ای و شیخ نوری پسر شیخ بابا علی.

4-امامزاده محمد،مدفون در کرکوک.

5-امامزاده احمد،مدفون در روستای‏ (ئه‏حمه برنده)از توابع در بندنیان واقع در کردستان‏ عراق.

6-امامزاده قاسم،مدفون در مسجدی مشهور به(مسجد امام قاسم)واقع در شهر کرکوک.

7-امامزاده ابراهیم،که به روایتی همان‏ شخصی است که در ناحیه کفری به ابراهیم سمین، اشتهار یافته است.

8-امامزاده هاجر خاتون،خواهر حضرت‏ معصومه قم و امام رضای خراسان،مدفون در ابتدای محله تپوله-موسوم به سه ترپوله-واقع در شهر سنندج.

امامزادگان دیگری نیز از نسل امامان اهل‏ بیت(ع)،در کردستان مدفونند که تنی چند از آنان‏ عبارتند از:

1-امامزاده پیر عمر،مشهور به پیرومه)،با واسطه سه نسل از اولاد حضرت امام‏ زین العابدین،(ع)مدفون در شهر سنندج.

2-امامزاده پیر محمد،فرزند امام زاده پیر عمر، مدفون در بخش شرقی شهر سنندج.

سادات شافعی مذهب حسنی و حسینی‏ کردستان

گذشته از امامزادگان مدفون در کردستان و مناطق کردنشین خاورمیانه،که غالبا از اولاد بلا فصل امام موسی کاظم(ع)محسوب می‏گردند، سلاله‏ای از آنان نیز در مناطق مختلف کردستان نسل‏ اندر نسل باقی مانده‏اند که اینان همان علیجد سادات‏ حسنی و حسینی در کردستان به شمار می‏آیند و مدفن آنان همواره مورد احترام عموم مؤمنان و محبان اهل بیت این دیار بوده است.

مشهورترین خاندانهای کرد منشعب از نسل امام‏ حسن مجتبی(ع)عبارتند از:

1-خاندان سادات نهری

2-خاندان سادات کاکو زکریا

3-خاندان سادات مردوخی

خاندانهای سادات حسین شافعی مذهب در کردستان عبارتند از:

1-سادات خانقاه،ساکن در اورامان،از نسل‏ امامزاده علی عریضی-عریض نام محلی از حجاز بوده است پسر امام جعفر صادق(ع).

2-سادات کلجی،ساکن اورامان،از نسل‏ امامزاده علی عریضی.

3-سادات تکیه قره داغ،از نسل امامزاده حمزه‏ بن امام موسی کاظم(ع).

4-سادات بزرنجه،از نسل امامزاده سید اسماعیل محدث بن امام موسی کاظم(ع).

5-سادات شاهویی،منشعب از سید محمد زاهد،مشهور به پیر خضر شاهو،مدفون در روستای پیر خضران از توابع مریوان که در سال‏ 620 هجری قمری به کردستان مهاجرت کرده‏ است.اغلب سادات حسینی کردستان ایران از پیر خضر شاهویی انشعاب یافته‏اند و در روستاهای‏ کردستان ایران پراکنده شده‏اند.برخی از خاندانهای‏ سادات حسینی شاهویی عبارتند از:

سادات چاولکان،سادات کول،سادات دوزه‏ خده‏ره،سادات سه‏فاخانه،

سادات پارسانیان،سادات مریوان،سادات‏ که‏لاته رزان،سادات تاوه گوز،

سادات چوو،سادات باوجانی،سادات‏ چناره،سادات باینچو،سادات هه‏مروله،

سادات سیاسه‏ران،سادات به لخه سادات پیر خضران،سادات کالوران،

سادات قاراوا،سادات شیوه‏لی،سادات‏ شالی‏شه‏ل،سادات جه‏باری،سادات که‏لاتی‏ و...

نامگذاری روستاهای کردستان به یاد و نام‏ خاندان اهل بیت پیامبر(ص)

یکی دیگر از مجموعه آثار و شواهد و قرائن و مستندات مودت اهل بیت در میان اهل سنت، نامگذاری روستاها و دیگر اماکن،به نام نامی‏ خاندان جلیل الشأن اهل بیت(ع)بوده است.

از جمله،می‏توان به ترکیبات اسمی زیر اشاره‏ کرد که در هر یک از مناطق کردستان،نمونه‏های‏ فراوانی از آن قابل رؤیت است.

1-(علی)در واژه‏های همچون:پنجه علی، عه‏لیاوا،عه‏لیاباد،عه‏لی که‏ند،ئالیکه‏ند،غه‏ یبعه‏لی و چه‏شمه عه‏لی و...

2-(حسن)در واژه‏های همچون:حه‏سه‏ناو، حه‏سه‏ون نوران،حه‏سه‏ن سالاران و...

3-(حسین)در واژه‏های چون:حسیه‏نیاوا، حوسیه‏نیاباد،قه‏بری حوسه‏ین،حسه‏ین مامه‏ و...

4-(باقر)در واژه‏هایی مانند:باقراوا،باقلاوا، باقراباد و...

5-(جعفر)در واژه‏های از قبیل:جافراوا،جه‏ عفه‏راباد و...

6-(عباس)در واژه‏هایی همانند:عبه‏باساوا، عه‏بباساباد و ئیمام عه‏بباس و..

7-(حمزه)در واژه‏های مثل:حه‏مزاوا،و..

(1)-حدیقه ناصریه:میرزا علی اکبر وقایع نگار کردستانی،به تصحیح محمد رئوف توکلی،تهران‏ 1364 شمسی.

(2)-حدیقه امان الهی:میرزا عبد الله رونق.

(3)-ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان: میرزا شکر الله فخر الکتاب،به تصحیح حشمت الله‏ طبیبی،انتشارات امیر کبیر،تهران،1364 شما.

(4)-تاریخ کرد و کردستان:شیخ محمد مردوخ،ج 2 انتشارات غریقی،سنندج

(5)-فرهنگ سوران در شناخت مشاهیر کردستان اردلان:سوران کردستانی.

(6)-فرهنگ زیارتگاه‏ها و اماکن مقدس و مذهبی‏ استان کردستان:سوران کردستانی.

(7)-تاریخ مشاهیر کرد:بابا مردوخ‏ روحانی(شیوا)،انتشارات سروش،ج 2،تهران‏ 1366 شمسی

(8)-کرد کردستان:واسیلی نیکتین،ترجمه‏ محمد قاضی،انتشارات نیلوفر،تهران 1366 شمسی

ب-عربی

(9)-المسند:امام احمد حنبل،چاپ احمد شاکر،قاهره،1958 میلادی.

(10)-المسند:امام احمد حنبل،چاپ میمنیه، 1313 هجری قمری،ج 3.

ج-کردی:

(11)-یادی مه‏رلان:مه‏لا عبد الکریمی مدرس، به رگی یه‏که‏م،چایخانه‏ی کوری زانیاری کورد، به‏غدا 1979.

(12)-یادی مه‏رلان:مه لا عبد الکریمی مدرس، به ریگی دووه‏م،چاپخانهی کوری زانیاری کورد، به‏غدا 1983.

(13)-بنه ماله‏ی زایناران:مه‏لا عبد الکریمی‏ مدرس،(عه‏لی قه‏ره داغی ئاماده‏ی کردووه،چای‏ یه‏که‏م،به‏غدا 1984.

(14)-رساله‏ی عیشق(له‏مه و له‏وی ناسیدا): سوران کمه دستانی(سینه‏ی)،ناوه‏ندی بلاو کردنه‏ وه‏حی فه‏رهه‏نگ و ئه‏ده بی کوردی،ورمی، 1374 ی‏ه‏تاوی.

(15)-تحفه مظفریه:گردآوری اسکارمان،به‏ رینوری کوردی.